

مکه و عربستان در آستانه بعثت

بررسی اوضاع کلی شبه جزیره عربستان در آستانه ظهور اسلام



*موقعیت و ویژگیهای جغرافیایی شبه جزیره عربستان

*وضعیت قومی و نژادی در جزیره العرب

*سیاست و حکومت در عربستان پیش از اسلام

*دین و اعتقادات در جزیره العرب

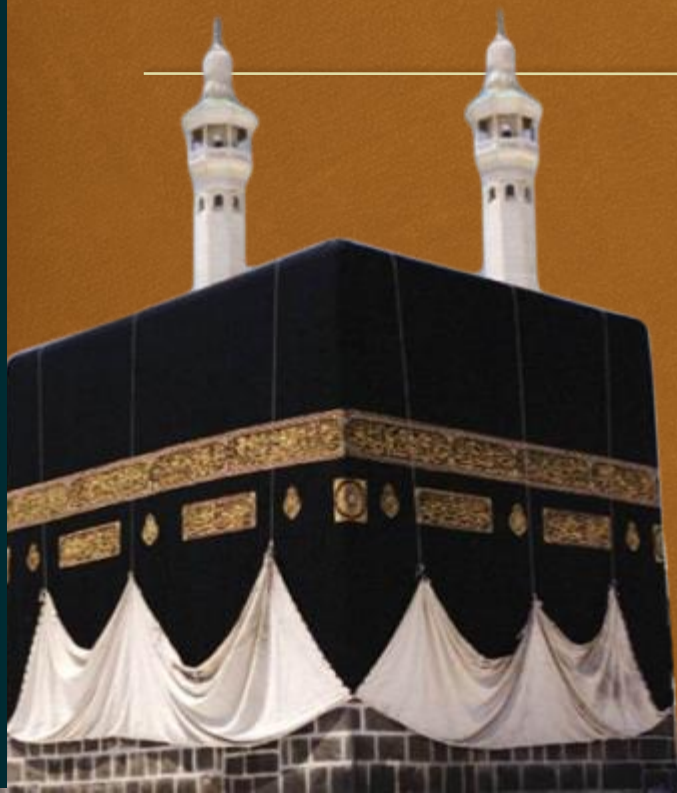
*مرکزیت یافتن مکه و اهمیت آن

*اقدامات قصی بن کلاب و هاشم در مکه

*عصر عبدالمطلب و حمله احباش

*فرهنگ ، سنن در عربستان و مکه

میثم ابنای / دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه شیراز



وضعیت کلی شبه جزیره عربستان در آستانه ظهور اسلام

موقعیت و ویژگیهای جغرافیایی شبه جزیره عربستان



سرزمین عربستان در انتهای جنوب غربی آسیا با بیش از سه میلیون کیلومتر مربع مساحت واقع شده است که دلیل اینکه غرب، شرق و جنوب آن به دریا متصل است به آن شبه جزیره میگویند که این شبه جزیره بزرگترین شبه جزیره جهان است. در دوران سوم زمین شناسی، در غرب شبه جزیره عربستان شکافی ایجاد شد که باعث جدا شدن عربستان از قاره ی آفریقا و پدید آمدن دریای سرخ شد. در پی این تحولات رشته کوه سرأه بوجود آمد و دریای سرخ به اقیانوس هند متصل شد. رشته جنوبی کوههای سرأه به صنعا پایتخت یمن میرسد که قله ی بنی شعیب با ارتفاع ۳۷۶۰ در آن قرار دارد. از ناحیه ی غربی رشته کوه سرأه، دو رشته کوه به طرف شمال شهر مکه کشیده شده که به آنها، اجاء و سلمی جبل (شمّر) گویند. سلسله جبال سرأه مانع از نفوذ بخار آب دریاها مرکز شبه جزیره میشود. نجد بیابان مرکزی شبه جزیره است که خاستگان وهابیان شمرده میشود. سرزمین نجد تا قرن ششم مخصوصا بین مکه و بصره دارای درختان و بیشه زارهایی بوده است. در وادی حجر واقع در یمن، تنها رود شبه جزیره قرار دارد که طول آن کمتر از ۱۰۰ کیلومتر است. وادی به دره هایی گفته میشود که از کوههای سینا و در امتداد دریای احمر تا خلیج فارس کشیده شده است.

مهمترین وادی های شبه جزیره عبارتند از: سرحان که راه تجاری در دوران پیش از اسلام بوده است، رومه، دواسر و حزموت. در شمال جزیره العرب، بادیة الشام قرار دارد که از حدود فلسطین تا جنوب غربی عراق کشیده شده است و در جنوب این بیابان، بیابان وسیع دیگری وجود دارد که از ماسه های سفید و سرخ تشکیل شده که نفوذ نام دارد. این بیابان از واحه تیماء شروع میشود و دارای زمستان های پرباران و پراز گیاهان میباشد.



از جنوب به سمت شرق شبه جزیره ، بیابان دیگری قرار دارد بنام دهناء یا سرزمین سرخ که غرب آن ، احقاف و قسمت جنوبی اش ربع الخالی نام دارد، چونکه خالی از سکنه است. بیشتر قسمت های دهناء خشک و تهی از آب و علف است. تنها وبار ، دارای سرسبزی و خرمی بوده که امروزه از بین رفته است. از دیگر بیان های شبه جزیره ، حرار (جمع حره) است که از سنگهای سیاه آتشفشانی پوشیده شده و اکثر آنها در حوالی مدینه تا شام قرار دارد.



شبه جزیره عربستان بر اساس تقسیم بندی اولین جغرافیدانان عرب و مسلمان که آن را به عبدالله بن عباس منسوب میکنند ، این سرزمین به ۵ قسمت تقسیم میشود:

۱. **حجاز**: در لغت به معنی مانع است. این سرزمین در شمال یمن ، بصورت کوهستانی امتداد یافته میان غور ، تهامه و نجد یا میان شام ، غور و بادیه است. مکه مدینه و طائف از شهرهای معروف آن است.

۲. **تهامه**: سرزمینی است که از سواحل دریای سرخ از نواحی یمن آغاز میشود و تا سرزمین نجران امتداد می یابد. بدلیل اینکه در این سرزمین باد نمی وزد و گرمای طاقت فرسایی دارد به تهامه شهرت یافته است.

۳. **نجد**: این سرزمین از جنوب به یمن و از طرف شمال به بادیه السماوه (نفود) امتداد می یابد. و به دو بخش نجد بلند و نجد پست تقسیم میشود.

۴. **عروض**: سرزمینی است که یمامه ، بحرین و عمان را در بر گرفته است و به این دلیل نجد خوانده میشود که میان نجد ، یمن و عراق واقع شده است.

۵. **یمن**: این سرزمین از نجد تا اقیانوس هند در جنوب و دریای سرخ در غرب گسترش یافته است. در قرن ششم حبشی ها با پیروزی بر حمیریان ، بر این منطقه حکمرانی میکردند.



وضعیت نژادی و قومی در جزیره العرب



عرب بادیه نشین

اساس ملیت بافت اجتماعی-سیاسی عرب بدوی قبیله است. عربستان نخستین خاستگاه سامیان بوده است که البته میان مورخین اختلاف نظر وجود دارد و برخی پژوهشگران موطن اولیه ی سامیان را بابل ، برخی دیگر آسیای مرکزی خصوصا اطراف رودخانه سیحون و جیحون و برخی دیگر خاستگاه اولیه ی آنان را شرق افریقا دانسته اند. قوم عرب از نژاد سامی یکی از فرزندان حضرت نوح هستند. به مرور زمان که شبه جزیره تبدیل به سرزمین خشک و کم آب و علف شد، اقوامی از سامیان ناچار به مهاجرت به بخشهای مجاور عربستان شده اند. در مورد نژاد اعراب ، تورات قدیمی ترین کتابی است که به این تقسیم بندی پرداخته است. اقوام سامی نژاد عبارتند از : بابلیان ، کنعانیان ، عبریان ، فنیقیان ، آرامیان ، حبشیان ، نبطیان و قوم عرب.

تورات نویسان ایلامی ها و هوری ها را که سامی نژاد نیستند ، سامی میدانند و دو قوم کنعانی و فنیقی را که سامی نژادی اند ، سامی نمی شمارند و این شاید بدلیل حساسیت های عاطفی و سیاسی حاکم بر آنها بوده است.

در قرآن کریم ، واژه ی اعراب به معنای بادیه نشینان به کار رفته است و جمع عرب نیست. واژه عرب اسم و نامی برای قوم خاصی از اقوام سامی است و واژه اعراب نامی است برای یک دسته مشخص از قوم عرب ، یعنی بادیه نشینان عرب.



واژه آربابا ، در کتیبه بیستون از داریوش هخامنشی و ماتورابی در سالنامه آشوری به معنی زمین و کشور عربها میباشد. برای اولین بار در سالنامه های شلم نصر سوم آشوری ذکری از نام عرب آمده است. مورخان ، اعراب ساکن در شبه جزیره را از لحاظ قدمت و نژاد به سه دسته تقسیم کرده اند:



اعراب عاربه (شهرنشین): این دسته از اعراب که در گذشته های خیلی دور در شبه جزیره می زیستند و از مظاهر تمدنی پیشرفته برخوردار و از بومیان اصلی منطقه بودند. اعراب عاربه در یمن و دیگر نقاط جنوبی عربستان زندگی میکردند و نسب خود را به یعرب بن قحطان فرزند پنجم نوح می رساندند. اعزاب عاربه را قحطانیه و معدی نیز میخوانند. بیشتر ملت عرب از جمله جرهمیان ، غسانی ها ف خزاعی ها ، حمدانی ها ، اوس و خزرج و... از اعراب عاربه هستند.



اعراب مستعربه: آنها را اعراب ناخالص یا عرب پیوسته می نامند. اعراب مستعربه ، اسماعیلیه و عدنانی نیز خوانده میشوند. اجداد آنها از سرزمین دیگر به عربستان آمدند و با حضور طولانی مدت در جزیره العرب ، زبان و فرهنگ عربی بین آنها رسوخ پیدا کرد. فرزندان حضرت اسماعیل ، قبیله قریش و بنی هاشم عرب عدنانی مستعربه هستند. ایاد ، مضر و ربیعہ از دیگر اعراب مستعربه اند.



اعراب بآئده: بادیه نشینانی بودند که قبل از ظهور اسلام به سبب نافرمانی به وسیله بلایای آسمانی و زمینی از میان رفته اند و یا در اقوام دیگر مستحیل شده اند. معروف ترین انها عبارتند از : طسم ، جدیس ، امیم ، عمالقه ، عاد و ثمود. بعنوان مثال قوم عاد که در قرآن نیز به آن اشاره شده است که بت پرست بوده اند و دعوت پیامبر خود یعنی هود را نپذیرفتند و دچار عذاب الهی شدند. لقمان که نام وی در قرآن نیز آمده است از حکیمان قوم عاد بوده است. عمالقه نیز از دیگر اقوام عرب بآئده که نسب خود را به عملیق بن لاوذ بن سام بن نوح می رساندند. برخی مسکن عمالقه را شمال حجاز دانسته اند. در تورات از عمالقه نام برده شده است و بدلیل خصومتشان با عبریان ، نامشان از سامی نژادها برداشته شده است.



آثار به جا مانده از قوم عاد



در آستانه ظهور اسلام اعراب باقیمانده ی درون شبه جزیره را اعراب باقیه میگفتند. که به دو دسته ی بزرگ تقسیم شده بودند :



۱. اعراب قحطانی : قحطانی ها عربهایی بودند که در جنوب شبه جزیره زندگی میکردند ؛ بر خلاف اعراب عدنانی که در شمال عربستان ساکن بودند. قحطانی ها اعراب اصیل و بومی منطقه بودند.



۲. اعراب عدنانی : عرب عدنانی به کسانی گفته میشد که از نژاد عرب نبودند و در شمال جزیره العرب سکونت داشتند. عدنانی ها به دو ساخه معد و عک تقسیم میشدند که دو فرزند عدنان بودند.. از هشام بن کلبی نقل است که معد در روزگار حضرت مسیح میزیسته است. معدی ها به دو شاخه نزار و قنص و نزاری ها به پنج شاخه ایاد ، مضر ، ربیعہ ، انمار و قضاعه تقسیم میشدند. عدنانی ها تحت سلطه حمیری ها در جنوب شبه جزیره بودند تا اینکه لکیب بن ربیعہ در جنگ یوم الخزار توانست حمیری ها را شکست دهد و پهلوان عدنانی ها شود. در دوره جاهلیت ، میان شاخه های عدنانی ، درگیری وجود داشت که به ایام العرب مشهور است. مورخین سالی را که میان طوایف مختلف عرب ، درگیری پیش آمد را عام الفساد میگویند.

جرجی زیدان اعتقاد دارد که طسم همان لطواشیم است که در تورات آمده است و خاتمه ی حیات آن ها ، اوایل قرن پنجم قبل از میلاد بوده است. جدیس نیز در یمامه بوده و اسم یمامه ابتدا ، جو بوده است و پس از غلبه حسان بن تبع بر جدیس ، به یمامه تغییر نام میدهد.



سیاست و حکومت در عربستان در آستانه اسلام :

مطالعه ی دقیق تاریخ صدر اسلام و رسیدن به ریشه و عمق خیلی از باور ها ، ارزشها ، عقاید و سنن موجود در حجاز در عصر جاهلی و نیز در دوره اسلامی مستلزم شناخت کلیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عربستان از جمله تمدانهای جنوبی و شمالی آن است.



منطقه جنوبی و دولتهای آن : معروفتریم حکومت های جنوب عربستان که در سیاست ، اقتصاد ، فرهنگ و.. شبه جزیره قبل از ظهور اسلام تاثیر گذاشتند عبارتند از:

۱. معین (۶۳۰-۱۳۰۰ ق.م)



این دولت قدیمی ترین دولت عربستان جنوبی بود. قلمرو اصلی آن ها از شرق یمن و جوف جنوبی و شمال غربی صنعا را در برمیگرفت و دارای نظامر موروثی در جزیره العرب بودند. پایتخت معین ؛ قرنه یا قرناو بوده است. پادشاهان اولیه ی معین را مزواد نامیده اند. معینیان مجلسی بنام عم جهت مشورت و اداره امور شهری داشتند. همچنین مجلس بزرگتری بنام فرود متشکل از اشراف و سران قبایل داشتند که به حل اختلافات قبایل میپرداختند. مورخان این مجلس را به دارالندوه قصی بن کلاب تشبیه کرده اند. حاکم سیاسی هر شهر را کبیر مینامیدند. عشترو نکرخ از جمله خدایان معینی هستند.

۲. حضرموت



این دولت همزمان با معینیان در جنوب عربستان قرار داشت و پایتخت آن ، شهر شبوه بود که از لحاظ تجارت و زراعت اهمیت فراوان داشت و محصول اصلی آنها بخور بوده است. معبد سین بزرگترین معبد این تمدن بود که در شهر مذب قرار داشت. در شهرهای حضرموت ، افرادی بنام مکرب حضور داشتند که عهده دار امور دینی مردم بودند. جلسد ، بت معروف حضرموت بوده است. تمدن حضرموت سرانجام توسط حمیریان در زمان فرمانرایی شمیر عرش سقوط کرد. شهر میناء مرکز تجاری حضرموت بوده است.





۳. سبائیان

سبائیان در طول تاریخ ۱۴۰۰ ساله خود چندین بار پایتختشان تغییر پیدا کرد. دوره ی اول حکومت سبائیان که به سده هشتم قبل از میلاد میرسد ، قدرت خود را تا آفریقا گسترش دادند و راه بازرگانی اقیانوس هند را در دست گرفتند. در این دوره از جمله حکمرانان سباء بلقیس نامی بوده است که در قرآن از او یاد شده است و داستان هدهد و ایمان آوردن بلقیس به سلیمان نبی در دو سوره نمل و سبا آمده است. پایتخت سبائیان ابتدا صرواح بود و سد معروف مآرب که شالوده و اساس کشاورزی بود در همین دوره ساخته شد. در دوره اول حکومت سبائیان ۱۵ مکرب فرمانروایی کردند. دوره دوم حکومت سبائیان حکومت پادشهان آغاز و قدرت سیاسی آنها جایگزین مکرب ها شد. پایتخت در این دوره به مارب انتقال یافت. این دوره دوره ی اعتبار سیاسی ، تجاری و زراعی سبائی بود. در کتیبه های این دوره که تا حدود سال ۱۱۵ قبل از میلاد را شامل میشود از فرمانروایان مملکت بعنوان ملک سبا یاد شده است بهم خوردن وضع تجاری سبائیان از یک سو و پدید آمدن مشکلات داخلی از سوی دیگر موقعیت سبائیان را به خطر انداخت تا اینکه در سال ۱۱۵ ق.م حکومت سبائیان به پایان رسید و حمیریان روی کار آمدند. پایتخت نیز از مارب به ظفار انتقال یافت. القمه بزرگترین خدای سبائیان و حمیریان بود که خدای ماه شمرده میشود.



۴. حمیریان

حمیریان مدتی پایتخت خود را از ظفار به صنعا انتقال دادند. پادشاهان حمیری را تبابعة میگفتند. شاهان و تبابعة حمیری و اشراف ان برای خود قصر های بسیار باشکوه و مجلل میساختند که از جمله این قصرها ، قصر غمدان میباشد. تجارت عمده حمیریان ، بخور و کندر بوده است. حمیریان ابتدا به پرستش عناصر طبیعت و ستارگان و... میپرداختند. اما به مرور زمان یهودیت و مسیحیت میان آنان گسترش یافت. ابوکرب نخستین تبابعة بود که به یهودیت گرویدند. رواج ایین مسیحیت در نجران همزمان با حکومت ذونواس بود. ذونواس فرمانروای یمن چون شنیده بود در روم با یهودیان بد رفتاری میشود ، فرمان قتل عامل مسیحیان قلمرو خود را داد. که در سوره بروج از قرآن کریم به آن اشاره شده است. فردی مسیحی بنام ذوتعلبان از این قتل عام جان سالم به در برد و نزد امپراتور روم این حادثه را شرح داد. امپراتور روم نیز به حبشی ها که مسیحی بودند دستور حمله به قلمرو حمیری و گرفتن انتقام از ذونواس را داد. حبشی ها به فرمانروایی اریاط و ابرهه ، با کشتن ذونواس و فتح یمن به حیات حمیری ها پایان دادند. ابرهه پس از مدت کوتاهی اریاط را از سر راه قدرت برداشت.



مهمترین اقوام و دولتهای شمالی عربستان به شرح زیر است:

۱. نبطیان: سرزمین نبط میان بحرالمت و شمال خلیج عقبه و شمال شرقی شبه جزیره سینا در بهترین موقعیت تجاری شمال و بر سر راه تجارت جنوب عربستان و دریای سرخ قرار داشت. فلاویوس از جمله مورخینی است که درمورد نبطیان اطلاعاتی داده است. پترا پایتخت نبطیان بوده است. تاریخ تاسیس حکومت نبط به اوایل قرن ششم قبل از میلاد میرسد. پادشاهان نبطی را عباده یا مالک میخواندند.

۲. تدمریان: این دولت را میتوان بزرگترین دولت عربستان شمالی قبل از اسلام دانست که در بادیه الشام بر سر راه بازرگانی شمالی یعنی راه خلیج فارس به شام و مصر بود. حکومت در تدمر چیزی شبیه جمهوری بوده است و حاکم را راس تدمری میخواندند. تدمر در زمان هادریان تحت الحمایه ی روم شد.

حیریان و غسانیان نیز از دیگر دولت های شمالی عربستان بودند. غسانیان بعنوان سدی در مقابل ایرانیان عمل میکردند و حیریان نیز بعنوان سدی در مقابل رومیان از نفوذ آنها به ایران مقابله میکردند. مشهور ترین امیر غسانی جبله بن ایهیم بود که در زملن خلیفه دوم مسلمان شد. در نجد و دومه الجندل نیز دولت کندیان روی کار بود که موسس آن حجر بن عمرو بوده است. از مشهور ترین کندیان که در صدر اسلام مسلمان شد، اشعث بن قیس کندی بود.





در جنوب شبه جزیره ، پرستش اجرام آسمانی نظیر ، ماه ، سیاره زهره و خورشید سابقه طولانی داشته است. ابن الکلبی ، معتبرترین مورخی است که اطلاعاتی در زمینه ی بت پرستی ارایه داده . در قرآن کریم به خورشید پرستی قوم سبا مطالبی آمده. بیابان نشین ها عموماً بت پرست بودند و با استقرار در شهرها باز هم به بت پرستی ادامه دادند. در دوره جاهلیت اعراب دو نوع بت میپرستیدند ؛ یکی خانگی و دیگری قبیله ای. بت‌های بی شکل و ساده را انصاب می‌گفتند که بت دوشری متعلق به قوم نبط از این نوع بت هاست. بت‌هایی که از چوب و زر ساخته میشد ، اصنام مینامیدند. طبق گزارشی که ابن کلبی داده است ، پرستش ود که یکی از خدایان معینی بوده و در میان قوم نوح در بین النهرین مورد پرستش قرار می‌گرفته است. نمازی که خورشید پرستان میخواندند ، صلاه الضحی خوانده میشد. خدایان مشترک دولتهای جنوبی ، یکی شمس بود و دیگری عشترا. از مهمترین بت‌های دوره جاهلیت عبارتند از:

۱. **بت لات** : در طاف و در میان بنی ثقیف پرستیده میشد.
 ۲. **بت منات** : که مورد پرستش دو قبیله اوس و خزرج در یثرب بود. در مراسم حج، زوار سر خود را نزد منات می تراشیدند.

۳. **بت فلس** : بت قبیله طی بود و در زمان پیامبر ، علی علیه السلام آنرا شکست.
 ۴. **بت عزی** : در نزد قریش و برخی قبایل قریش از درجه اول پرستش برخوردار بود و مردم حجاز عزی را پرستش میکردند که از سه درخت بهم پیوسته تشکیل شده بود.



۵. **بت هبل** : پرستش این بت توسط قبیله بنی خزاعه در کعبه مرسوم شد. این بت از جواهرات و عقیق سرخ ساخته شده بود و مشهور ترین و قدیمی ترین بت در مکه به شمار می رفت.

سدنه ، کاهنانی بودند که از بتها نگهداری و نگهداری و نظافت میکردند.



پس از به هم خوردن وضع جنوب عربستان و شکستن سد مارب و پراکنده شدن مردم این منطقه و همچنین با از میان رفتن اهمیت تجارتی راه خشکی جنوب عربستان، از مراکزی که برای تجمع و سکونت جاذبه و اهمیت داشت، مکه بود. از زمان ابراهیم (ع) خانه کعبه به محلی برای پرستش پروردگار یکتا برای پیروان دین حنیف تبدیل شده بود. نزدیکی مکه به دریای سرخ به پیوستن راه بازرگانی آفریقا به سوریه از سوی شمال کمک می کرد؛ بنابراین دو قبیله به نام های جرهم و خزاعه مکه را برای سکونت خود انتخاب کردند. قصی بن کلاب جد اعلای پیامبر اسلام نیز در سن بلوغ با آمدن به مکه به گردآوری قریش و سکونت آنها در مکه اقدام کرد. شهر مکه جزو ناحیه تهامه است در دره ای تنگ و هلالی شکل میان دو کوه ابوقبیس و قیقعان قرار دارد. هوای این دره بسیار خشک، گرم و سوزان است و برداشت آب از آن فقط که توسط چاه ها میسر می شود. اهمیت این شهر ابتدا به واسطه این بود که بر سر راه تجاری و بازرگانی قرار داشت که این راه از یمن به شام و فلسطین و مصر می رفت و دوم به دلیل وجود خانه کعبه در آنجا مکه در قرن اول میلادی درست پس از انحطاط تمدن های جنوب و شمال، به یک شهر و مرکز تجاری مهم تبدیل شد. مشهور ترین نام های تجاری مکه عبارتند از: بلد امین، بلد حرام، ام القری، و بکه (یعنی وادی و دره و موضع کعبه و پیرامون آن). این نام ها همگی در قرآن ذکر شده است. بطلمیوس جغرافی دان بزرگ نیز از مکه با عنوان مکوربا یاد می کند. ابراهیم به کمک اسماعیل کعبه را در مکه ساخت و در آنجا به نشر دین حنیف (توحیدی) و تصدی امور کعبه مشغول شد. بعدها عمالقه که ساکنان اولیه یثرب نیز بودند و بعدا به دو قبیله اوس و خزرج تقسیم شدند، به عنوان اولین گروه و بعد از آنها به ترتیب بنی جرهم، بنی خزاعه و سرانجام قریش در مکه ساکن شدند و امور را بدست گرفتند. با غلبه خزاعه بر مکه، بت پرستی جای آیین حنیف ابراهیم را گرفت و عمرو بن لحي خزاعی حاکم قبیله خزاعه، بت هبل را به مکه آورد و در کعبه گذاشت و بت پرستی را رواج داد. بنی خزاعه از قبایل قحطانی (جنوبی) بودند که به شمال مهاجرت کرده بودند. واژه قریش در لغت به معنای تجمع کردن، جمع کردن، کسب کردن، محل کسب و تجارت و کوسه ماهی آمده است. یعقوبی معتقد است که نضر بن کنانه اولین شخصی بود که به وی لقب قریش دادند. عمرو بن خزیمه نیز به علت ساختن جدار (دیوار) کعبه به جادر مشهور شد



علاوه بر بت پرستی ، یهودیت و مسیحیت نیز در عربستان شایع بوده است. مسیحیت بر خلاف یهودیت وسیله ای برای سیاستهای استعماری در عربستان بود و رومیان و حبشیان از این فرصت برای تسلط بر مناطق مختلف عربستان استفاده میکردند. تبلیغات مسیحیان در عربستان بگونه ای بوده که اگر اسلام در شبه جزیره عربستان ظهور پیدا نمیکرد ف شاید عربستان بصورت کامل توسط مسیحیت تسخیر میشد. از نواحی عمده مسیحیان در عربستان ، ناحیه ی یمن بخصوص نجران بوده است. در نجران مسیحیان سلسله مراتب سیاسی و دینی خاصی پدید آورده بودند. فیمیون از مروجان مسیحیت در نجران و جنوب عربستان دانسته اند.

یهودیت یکی دیگر از ادیانی است که در شبه جزیره حضور داشت. طبق گزارشهای تاریخی ، اولین مهاجرت یهودیان به عربستان در دوره ی فرمانروایی بخت النصر در بابل بوده است. یمن از جمله سرزمین های جنوبی عربستان بود که تعداد یهودیان ساکن در آن بسیار بیشتر از دیگر بخشهای عربستان بوده است. یهودیت در میان تبعاعه ی حمیری نفوذ پیدا کرد و ابوکرب اولین تبعاعه بود که به این آیین گروید و تبدیل به آیین رسمی آخرین تبعاعه ی یمن یعنی ذنواس شد. بهداز ورود احباش به یمن ، یهودیت در آنجا رو به ضعف نهاد، اما ریشه کن نشد و تا بعد از اسلام هم در آن نواحی زندگی میکردند. نجران از مراکزی بود که یهودیان در کنار مسیحیان و بیت پرستان در آنجا زندگی میکردند. یهودیان برای آموختن تاریخ و معارف خود ، آموزشگاههایی بنام مدارس میساختند. نام معابد یهودیان ، کنیسه بوده است.





قصی بن کلاب از اجداد پیامبر اسلام است و نسب پیامبر از طریق عبدالمناف به او میرسد. نام او زید بود که بدلیل اینکه در کودکی از مکه دور شد به قصی بن کلاب معروف گشت. همسر کلاب ، فاطمه نام داشت و وی صاحب دو فرزند بنامهای زهره و قصی بود. با به دنیا آمدن قصی ، پدرش کلاب از دنیا رفت و فاطمه با شخصی بنام ربیعہ از طایفه ی بنی عذرہ ازدواج کرد و همراه با کودکش قصی به شام رفت. قصی بن کلاب پس از اختلافی که با اهلالی شام پیدا کرد ، به مکه بازگشت. استعداد نهفته او باعث شد در مدت کوتاهی ، برتری خود بر اهل مکه بخصوص قریشیان را نشان دهد.



مهمترین اقدامات قصی بن کلاب در مکه عبارت بود از : **۱. ریاست شهر مکه را از قبیله خزاعه گرفت و به قریشیان داد.** تسلط قریش به مکه از زمان قصی بن کلاب آغاز شد. وی با کمک رئیس قبیله قضاة ، خزاعه را شکست داد و بر مکه مسلط گشت. قصی ، قریش را اطراف کعبه ساکن کرد و برای آنها دارالندوه ساخت. **۲. سنن آیین حنیف را احیاء کرد.** قصی با شکست دادن خزاعی ها ، بت پرستی آنها را که بوسیله عمرو بن لحي رهبر قبیله خزاعه رواج یافته بود، منسوخ کرد و به نشر آیین حنیف پرداخت.



۳. دارالندوه را در مکه تاسیس کرد و ریاست آن را برعهده گرفت. دارالندوه ، مرکز مشاوره اشراف قبایل مکه و قدرتمندان عشیره های موجود در مکه بود. حضور بقیه قبایل و طوایف در دارالندوه بیانگر این بود که قصی بن کلاب و قریشیان تنها قدرت مطلق مکه نبودند. **۴. قصی بن کلاب قریشیان را که در شبه جزیره عربستان پراکنده بودند** جمعه کرد و آنها را در درون شهر مکه (قریش بطحا) و اطراف شهر مکه (قریش ظواهر) اسکان داد و بر مکه مسلط ساخت و موقعیت اجتماعی و سیاسی قریش را در مکه تثبیت کرد.

۵. قصی بن کلاب ، مناصب و سنتهای سقایت ، رفادت ، سدانیت یا حجابت ، عقاب و اعنه را در مکه پایگذاری کرد. منصب اعنه وظیفه سرپرستی از احشام و ستوران قریش در هنگام جنگ را عهده دار بود. این منصب در دوره های بعدی به امویان رسید و مقارن ظهور اسلام در دست ابوسفیان بود. عقاب وظیفه پرچم داری و تهیه ی بیرق سپاه را هنگام جنگ برعهده داشت. منصب سقایت وظیفه دادن آب رایگان به حجاج کعبه و سیراب نمودن احشام آنها را عهده دار بود. منصب رفادت وظیفه ی اطعام و مهمان داری و پذیرایی از حاجیان و زوار مکه را برعهده داشت. منصب قیادت وظیفه رهبری و فرماندهی قریش و مکه در جنگها و نیز راهنمایی حاجیان و نگهداری از ستوران و شتران آنها را برعهده داشت. منصب لواء وظیفه ی حمل پرچم در جنگها را داشت و منصب سدانیت یا حجابت ، نیز وظیفه ی پرده داری ، کلیدداری و نظافت و تعمیر آن را عهده دار بود.

قریش در مراسم و مناسک حج ، امتیازاتی را برای خود قائل شده بود که این امتیازات را **خمس** مینامیدند و تا آمدن اسلام رواج داشت.



۶. قصی بن کلاب ، چاه عجول را در مکه حفر کرد و با این کار به مشکل کم آبی مکه و قریشیان خاتمه داد.



قریش به قصی بن کلاب لقب مجمع دادند. مورخان ظهور قصی بن کلاب در مکه را بازسخت اقتدار بنی عدنان مینامند. عبدالعزی ، عبدالقصی ، عبدالمناف ملقب به قمرالبطحاء و عبدالدار که بین آنها و فرزندان ایشان اختلافاتی بر سر مناصب مکه بوجود آمد. این اختلافات منجر به آغاز درگیری بین آنها شد و فرزندان عبدالدار و هم پیمانان آنها پیمان **حلف الاحلاف** را تشکیل دادند که به لعقه الدم نیز معروف است. فرزندان عبدالمناف و هم پیمانان آنان برای مبارزه با عموزاده هایشان ، پیمان **حلف المطیبین** را بستند. پس از مدتی این صلح سرانجام به سود بنی عبدالنافی ها خاتمه یافت. طبق آن صلح مناصب رفادت ، قیادت و سقایت در دست بنی عبدالمناف و مناصب لواء و سدانت در اختیار بنی عبدالدار قرار گیرد و اداره ی دارالندوه نیز مشترکا انجام شود. فرزندان عبدالمناف ؛ عبدالشمس ، هاشم ، مطلب و نوفل بودند که آنها را ایلاف اربعه مینامند. قریش بدست قصی بن کلاب کم کم وارد تجارت شد ؛ آنها محصولات شرق و جنوب را به شام و بندرهای کنار مدیترانه می بردند. زمستان را در جنوب عربستان و تابستان را در سرحد شام میگذراندند. فرزندان عبدالمناف با پادشاهان آن زمان پیمان های تجاری منعقد میکردند ؛ از میان آنها هاشم با امرای غسانی ، نوفل با ساسانی ، مطلب با امرای حمیری و عبدالشمس با نجاشی پادشاه حبشه .

هاشم در سفر به یثرب با زنی از طایفه ی بنی النجار ازدواج کرد و از وی ، فرزندی بنام شیبه را صاحب شد. اما در راه فلسطین هاشم درگذشت و برادرش مطلب ، شیبه را به مکه آورد و او را عبدالمطلب نامید .



اقدامات هاشم جهت اقتدار و رفاه قبیله قریش

۱. **رسم سفر تابستانی و زمستانی را برای قریش معین ساخت** که بر این اساس ، قریشیان در زمستان برای تجارت به یمن و در تابستان به شام می رفتند و در نتیجه ی این رسم بود که موجب گشت ثبات سیاسی در شمال عربستان ایجاد و اقتصاد مکه شکوفا و راههای تجاری رونق **بگیرد. ۲. هاشم ، امور رفادت و سیادت را شخصا عهده دار شد و بخوبی از عهده آنها برآمد. ۳. هاشم چاه سحله که بعدا به چاه جبیر بن مطعم معروف شد را بدلیل کمبود آب مکه حفر کرد و این مشکل را از بین برد. ۴. با جمع آوری و خرد کردن نان برای قریشیان ، قحطی را مهار کرد و به هاشم به معنی خرد کننده معروف شد.**



نام اصلی هاشم عمرو بود. برادرزاده وی که امیه بن عبدالشمس نام داشت، نسبت به وی حسادت داشت و با وی به مخالفت میپرداخت. اختلاف میان بنی هاشم و بنی امیه از همین جا آغاز شد.





پس از درگذشت هاشم بن عبدالمنف از بزرگان قریش ، پسرش عبدالمطلب (شیهه الخمر) رئیس بنی هاشم و از بزرگان شهر مکه شد.مهمترین وقایع دوران وی ، حفر چاه زمزم و ماجرای اصحاب فیل بود.عبدالمطلب در زمان حفر چاه زمزم همراه با فرزند خویش یعنی حارث ، گنجی یافت که شامل دو آهوی زرین و چند شمشیر و.. بود که جرهمیان هنگام مهاجرت از مکه آنها را زیر خاک دفن کرده بودند.عبدالمطلب از طلاها، دری برای کعبه ساخت.در دوران عبدالمطلب ، حبشی ها به فرماندهی اریاط و ابرهه بر یمن ، چیره شدند.علت حمله ی حبشی های مسیحی به جنوب عربستان این بود که حاکم یهودی حمیریان بنام ذونواس به قتل عام مسیحیان نجران و مناطق تحت تسلط خویش پرداخت که در سوره بروج از قرآن کریم به آن اشاره شده است.فردی مسیحی بنام ذوتعلبان از این قتل عام جان سالم به در برد و نزد امپراتور روم این حادثه را شرح داد.امپراتور روم نیز به حبشی ها که مسیحی بودند دستور حمله به قلمرو حمیری و گرفتن انتقام از ذونواس را داد.حبشی ها به فرمانروایی اریاط و ابرهه ، با کشتن ذونواس و فتح یمن به حیات حمیری ها پایان دادند.ابرهه پس از مدت کوتاهی اریاط را از سر راه قدرت برداشت و با ساختن کلیسای القیس قصد داشت اعتبار مذهبی عربستان را از مکه به صنعا انتقال دهد، اما با خرابکاری و آلوده کردن کلیسا بوسیله افرادی از طایفه بنی کنانه (ساکن حجاز) ، خشم ابرهه برانگیخته شد و وی تصمیم به حمله به مکه و نابودی کعبه گرفت.سپاه ابرهه با دهها هزار نفر سرباز و تعدادی فیل به طرف مکه حرکت کرد.مردم مکه با شنیدن این خبر به طرف کوهها فرار کردند.



ابرهه که به اشرم ملقب بود با سپاهش به طرف مکه لشکر کشید. قبل از اینکه لشکر ابرهه به نزدیکی مکه برسد ، فیلهای لشکر نشستند و برای ادامه راه برنخاستند. طبق آیات سوره فیل ، در همین هنگام خداوند متعال که مکه را بلدالامین معرفی میکند، خیل عظیمی از ابابیل که پرندگان کوچکی بودند با سنگریزه های سبیل، به سمت لشکریان ابرهه نشانه گرفتند و لشکر ابرهه زیر باران سنگ ریزه ها تار و مار شد. پس از این اتفاق ، افراد قبيله قریش که به کوهها و دره ها پناهنده شده بودند به مکه بازگشتند. این حادثه مهم در ماه محرم ؛ حدود پنجاه روز قبل از تولد رسول اکرم (ص) اتفاق افتاد. علاوه بر ساقط کردن اعتبار دینی مکه توسط ابرهه ، انگیزه دیگر وی از این کار این بود تا از راه خشکی ، تجارت جنوب و شمال شبه جزیره را در دست بگیرد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ (۱) أَلَمْ يَجْعَلْ
كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ (۲) وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ (۳) تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ
سِجِّيلٍ (۴) فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ (۵)





گزارشهای بدست آمده از روایتهای تاریخی نشان از تنزل منزلت اجتماعی عبدالمطلب و کاهش اقتدار اقتصادی و اجتماعی او نسبت به پدرش نشان میدهد. تیره ها و بطون دیگر قریش در زمان عبدالمطلب از جمله خاندان بنی امیه ، توانمندی فوق العاده مالی برخوردار شدند. و منزلت اجتماعی بنی امیه با داشتن مناصب قیادت و نفوذ زیاد در دارالندوه روز به روز بیشتر شد. عبدالمطلب، اگر در ابتدا دارای شترانی بود اما رفته رفته این سرمایه را از دست داد بگونه ای که ارثی برای ابوطالب باقی نگذاشت تا وی بتواند از فرزندانش سرپرستی کند. عبدالمطلب دارای فرزندان بنامهای ، **عبدالله ، عبدمناف ، عبدالكعبه ، زبیر ، عباس ، حمزه ، مقوم ، مغیره ، عوام ، عبدالعزی ، حارث ، قثم و نوفل .**

فرهنگ ، سنن و ترکیب اجتماعی جامعه مکه



نخستین بار اصطلاح جاهلیت در مورد اقوام عرب در قرآن کریم مطرح شد. به عقیده اعراب جاهل ، قربانی برای بت ها سبب از بین رفتن بدیها و گناهانشان میشد. از این رو برای بتها قربانی میکردند. بت پرستان الله را انکار نمیکردند و او را خالق آسمان هستی و زمین میدانستند اما پرستش بت ها را سبب نزدیکی به خداوند و رضایت او و موثر در تدبیر امور جهان و سرنوشت خود می پنداشتند. اعراب بدوی و صحرا نشین به گله داری مشغول بودند و از راه پرورش شتر و گوسفند به امرار معاش میپرداختند. واحدهای اجتماعی اعراب از بزرگ به کوچک عبارتند از : شعب-قبیله-عماره-بطن-فخذ-عشیره و فسیله.

قبیله مهمترین واحد اجتماعی دوران جاهلیت به حساب می آمد. اعراب جاهلی مجموع چند خانواده هم خون را **حی** مینامیدند. برخی اعراب این عصر به زنده به گور کردن دختران اقدام میکردند. علت این کار ، ترس از فقر و دوری از ننگ بیان میکردند. اولین طایفه ای که شروع به همین کار کرد ، طایفه ی بنی تمیم بود..





میتوان گفت در دوره جاهلیت ، حجاز از چند خلاء فکری و فرهنگی رنج میبرد. یکی از آنها خلاء اعتقادی بود. وضعیت فکری و اعتقادی محیط مکه در زمان ظهور اسلام نمایانگر این است که در ساختار اعتقادات عرب جاهل ، انواعی ضعف وجود داشت که ناشی از استدلالی نبودن و منطقی نبودن آنها بود. وضعیت عرب دوره جاهلی بگونه ای بود که اعراب عقاید دینی مشترکی نداشتند و نتوانند به جست و جوی مبانی استدلالی و به ظاهر معقول برای افکار خود پردازند. دین جزیره العربی زمانی توحیدی بود و بعد از مدتی به بت پرستی رسید. در واقع اسلام در جزیره العرب با عقاید مستدل رو به رو نبود بلکه با تقلید و عادت و به رو بود که از گذشتگان از آنها به ارث رسیده بود و از نظر منطقی قابل دفاع نبود. تقلید و عادت و قداست در امور اعتقادی سد بزرگی در برابر اسلام ایجاد کرده بود اما این مشکل در مقایسه با مشکلات دیگر سریعتر و ساده تر قابل حل بوده است.

خلاء حقوقی

در حیات عرب دوره جاهلیت ، هیچ قانون و ضابطه ای وجود نداشت که بتواند رفتار و اعمال آنها را کنترل کند و محدودیت ایجاد کند. آنها در هر کاری خودشان را مختار میدیدند. عادت به جنگ و نزاع و خشونت ، ترس از وقوع آن را در بین آنها از بین برده بود. بخاطر عدم وجود قانون ، هرج و مرج سیاسی و اجتماعی فراگرفته بود. در دوره جاهلیت ، یک نوع آزادی مفرط وجود داشت به طوری که جامعه دچار آشفتگی و هرج و مرج ساخته بود.



علاوه بر خلاء اعتقادی و حقوقی، جامعه جاهلی، جامعه ای غیر اخلاقی بود. عدم وجود ارزشهای اخلاقی، در تخریب بنیاد های جامعه نقش مهمی داشت. وضعیت زنان در تباهی جامعه زیاد بود و در آیه ۱۲ سوره ممتحنه به آن اشاره شده است. در مجمع البیان از هند بن عتبه نقل است که خطاب به پیامبر اسلام میگوید: تو نیز ما را جز به رشد و فضایل اخلاقی دعوت نمیکنی. «نمونه ای دیگر توضیحات جعفر بن ابیطالب در تشریح وضعیت اجتماعی و اخلاقی جامعه خود و اهمیت رسالت پیامبر است.

سنتهای دوره جاهلی

اعراب به سنت های خود بسیار پایبند بودند و بین آنها پیمان های گوناگونی علیه دیگری و یا حمایت از ضعیفان منعقد میشد. دو نوع پیمان به نام حلف الفضول در تاریخ اعراب معروف است:

۱. **پیمانی که میان جرهمیان بسته شد** و اساس آن پشتیبانی و دفاع از حقوق ضعفا و فقرا بود.
۲. **پیمانی که میان پیامبر و گروهی از یاران و دوستانشان در خانه عبدالله بن جدعان منعقد** شد و هدف از آن دفاع از حقوق ضعیفان و ستمدیدگان در مکه بود. این پیمان اط جانب زبیر بن عبدالمطلب طرح ریزی و توسط پیامبر اجرا شد.

قبایل اعراب با کوچکترین مسئله به جان هم می افتادند و جنگهای آن ها چندساله و و خونین بود. آنها برای دوری از جنگ، ماههایی از سال را حرام اعلام میکردند تا در این ماهها جنگی صورت نگیرد و این ماهها عبارتند از: **محرم، رجب، ذی القعدة و ذی الحجه.**

طبق سنت حلف، قبایل ضعیف تحت حمایت و پشتیبانی قبایل قوی تر قرار میگرفتند. **حلف** بر اساس فتنه جویی شکل میگرفت. این نسبت موجب شد به جز حلفهایی که از ستمدیدگان حمایت میکرد، بقیه ی حلفها منسوخ شد.



در دوره جاهلیت ، رئیس قبایل مبلغ معینی از اهالی قبیله ی دیگر دریافت میکردند ، تا اهالی را به برادری و هم پیمانی خود بپذیرند و آنها را در پناه خود بگیرند، این سنت **اخوه** گفته میشد. در بین اعراب اگر فردی در قبیله دچار قتل یا اشتباه بزرگی میشد قبیله برای حفظ شرافت خود او را از قبیله اخراج و فرد را از هر گونه حقوق قبیله ای محروم میکرد که این سنت در بین اعراب به **خلیع یا طرید** معروف بود. این فرد ممکن بود به قبیله ی دیگری پناه ببرد که به این پناهندگی استلحاق میگفتند.

اگر فردی از قبیله از قبیله و یا شخصی درخواست کمک و حمایت میکرد تا از مال و ناموس خود در مقابل دشمنان دفاع کند ، سنت **جوار** صورت میگرفت.

منابع



۱. زرگری نژاد. غلامحسین، تاریخ صدر اسلام ، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶
۲. جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۹۵



والسلام عليكم ورحمه الله وبركاته

